

کنوانسیون ۱۹۴۹، توریسم جنسی و آسیب‌های ناشی از قاچاق زنان

بهناز اشتری

مقدمه

موارد نیز قربانیان با هدف یافتن کاری پرسود
 قاچاق زنان را می‌توان بدین ترتیب تعریف کرد: «حرکت دادن غیرقانونی و مخفیانه اشخاص در
 در خارج از کشور، سرزمین خود را ترک می‌گویند و در این راه فریب برخی بنگاه‌های
 عرض مرزهای ملی عمدتاً از کشورهای در جهانگردی و کاریابی و یا دیگر قاچاقچیان را
 می‌خورند و سرانجام ناخواسته به سرنوشتی شوم گرفتار می‌آیند.
 هر چند مسئله قاچاق در برخی کشورهای
 توسعه‌یافته نیز مشاهده می‌شود، این کشورها
 بیشتر پذیرنده زنانی هستند که از کشورهای در
 حال توسعه که در کشور خویش با فقر و
 مشکلات شدید اقتصادی روبرو هستند، به آنجا
 مهاجرت می‌کنند. این زنان برای تأمین مالی
 خانواده‌های خویش و یا کسب درآمدی در کوتاه
 مدت که سرمایه بقیه زندگی خویش قرار دهند،
 به دست قاچاقچیان گرفتار می‌آیند، در برخی
 وضعیت‌های بهره‌کشانه و ستمگرانه از لحاظ
 جنسی به منظور سود به کارگیرندگان،
 قاچاقچیان و سندیکاهای جنایتکار و نیز دیگر
 فعالیتهای مرتبط با قاچاق همچون کار خانگی
 اجباری، ازدواج دروغین، استخدام مخفیانه و
 فرزندخواندگی دروغین.» در حالی که در بیشتر
 موارد قربانیان قاچاق بدون میل و رضایت خود
 به دست قاچاقچیان گرفتار می‌آیند، در برخی

عزم سفر به کشورهایی را می‌کنند که ظاهراً از شرایط اشتغال برخوردارند. در اینجا است که برخی سوداگران به خاطر فقدان حمایت قانونی کارآمد و مناسب به سراغ این زنان و دختران می‌روند و آنان را در دام شبکه‌های مخوف خود گرفتار می‌کنند و در توریسم جنسی به کار می‌گیرند؛ به گونه‌ای که دیگر امکان گریز و بازگشت این زنان به جامعه به سختی برایشان فراهم می‌شود.

ابعاد و گستره قاچاق زنان در ارتباط با جهانگردی

پس از فروپاشی کمونیسم، تجارت زنان و دختران کشورهای اروپای شرقی و مرکزی و همچنین جمهوریهای شوروی پیشین افزایش چشمگیری یافته است. به گفته سازمان بین‌المللی مهاجرت، شمار این زنان در کشورهای مزبور بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار نفر در سال برآورد می‌شود. در بسیاری از این کشورها مجازاتی برای قاچاقچیان انسان وجود ندارد و احتمال شناسایی و دستگیری این قاچاقچیان بسیار اندک است.^(۱)

به طور کلی تجارت با بدن زنان و دختران در اروپا هیچ‌گاه به اندازه امروز پول‌ساز نبوده است و آمارهای گروه کارشناسان شورای اروپا در گزارشی درباره تجارت زنان اروپای شرقی با عنوان «بردگان هزاره سوم» نشان می‌دهد که میزان درآمد ناشی از این تجارت سالانه تا ۱۳ میلیارد دلار می‌باشد. همچنین زنان گاه تا هجده بار خرید و فروش می‌شوند. در همین گزارش آمده است که زنان در مولداوی، به قیمت ۱۵۰ دلار خریداری می‌شوند و همین که پایشان به ایتالیا رسید، به نرخ ۵۰۰۰ دلار به دلالان

این مقاله تلاش می‌کند که در ابتدا تصویری کلی از گستره و ابعاد قاچاق زنان که ناشی از گرفتارشدن آنان در شبکه توریسم جنسی است، ارائه کند تا مشخص شود که این جنایت سازمان یافته بین‌المللی چه ابعاد هراس‌انگیزی یافته است و اینکه هیچ کشوری از جمله ایران نمی‌تواند خود را از تهدیدات آن مصون تلقی کند. در بخش دوم مقاله، اقدامات و تدابیر بین‌المللی برای مبارزه با قاچاق زنان که در ارتباط با جهانگردی است، مورد بررسی قرار می‌گیرد و نکات ضعف و کاستیهای آنها باز نموده می‌شود. در سومین بخش مقاله، راهکارهایی که در سطح بین‌المللی و نیز در سطح ملی باید توسط کشورها صورت گیرد تا به ریشه کن کردن این جنایت و نیز تهدیدات ناشی از قاچاق زنان در ارتباط با صنعت جهانگردی بپردازند، مطرح می‌شود. بدین ترتیب تعهداتی که دولت‌ها جهت نظارت کافی و مستمر بر فعالیتهای جهانگردان

فروخته می‌شوند. این بردگان جدید پس از فروخته شدن در ایتالیا باید بتوانند ماهانه تا ۲۵ هزار دلار برای صاحب خود درآمد ایجاد کنند.^(۳) همچنین به گزارش پینو آرلاکی، مدیر کل دفتر کنترل مواد مخدر و پیشگیری از جنایات سازمان ملل متحد، در کتاب «برده‌ها»، شمار زنانی که به کارهای خلاف اخلاق مشغول هستند و در کشورهای اتحادیه اروپا کار می‌کنند، به بیش از ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر می‌رسد، که دو سوم آنها از اروپای شرقی آمده‌اند و یک سوم دیگر از کشورهای در حال توسعه هستند. در واقع مشکل اصلی قاچاق زنان در این منطقه از اوایل دهه ۱۹۹۰ آغاز شد که پس از فروپاشی حکومت‌های کمونیستی در آن منطقه و افزایش بحران‌های اقتصادی، بسیاری از این زنان جهت فرار از فقر و مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برای رسیدن به وضعیتی بهتر جلای وطن کردند. بنابر گزارش سازمان بین‌المللی مهاجرت، قاچاق انسان از این منطقه، که زمانی ناچیز بود، هم‌اکنون معادل مبادی سنتی همانند آسیا و آفریقا و جزایر کارائیب شده است.^(۴)

ذکر این نکته حائز اهمیت است که بسیاری از زنان جوانی که قاچاق می‌شوند، می‌دانند که در صنعت سکس و تورسیم جنسی کار خواهند کرد، اما در زمینه ماهیت یا شرایط کار فریب می‌خورند. برخی از آنها موافقت می‌کنند تا در کار جنسی «ملایم‌تر» همچون نمایش‌های برهنه

یا کلوبها کار کنند، اما بعداً به روسپی‌گری وادار می‌شوند. حتی برخی از آنها می‌پذیرند که در خارج به عنوان روسپی کار کنند و انتظار دارند که به سرعت پول درآورند و پس از مدتی کوتاه به میهن خود بازگردند. اما به جای آن، در بازار به یک واسطه یا روسپی‌خانه فروخته می‌شوند و سپس به وسیله تهدید یا اسارت ناشی از داشتن بدهی، در اوضاع و احوالی ناهنجار به دام می‌افتند.^(۵)

آمارهای موجود نشان می‌دهند که میان ۷۰۰,۰۰۰ تا دو میلیون زن و کودک هر سال در سراسر جهان قاچاق می‌شوند که حدود ۵۰۰,۰۰۰ نفر آنان در اتحادیه اروپا می‌باشند.^(۶) هم‌اکنون اتحادیه اروپا تخمین می‌زند که حدود ۵۰۰,۰۰۰ زن و دختر هر ساله به صورت مهاجر غیرقانونی وارد اروپا می‌شوند و سندیکاهای جنایتکاران، قاچاق انسان را به گسترده‌ترین بخش کسب و کار خود بدل ساخته‌اند.^(۷)

به نوشته روزنامه اسپانیایی زبان «ال موندو» بردگان قرن حاضر را زنان خودفروش و کارگران مزارع تشکیل می‌دهند که در شرایطی به دور از انسانیت تن به کار می‌دهند. این افراد که از طریق شبکه‌های قاچاق انسان و به طور غیرقانونی وارد اسپانیا می‌شوند، با تحمل مشقات سفر و با به خطر انداختن زندگی خود در قایق‌های نامن، برای رسیدن به رؤیای اروپایی خود تلاش می‌کنند، اما در نهایت تنها با

انزوای اجتماعی و استثمارشدگی مواجه می‌شوند. زنان خودفروش که به طور عمده از اهالی کشورهای آفریقایی هستند، به منظور کار در اروپا رهسپار پاریس و لندن، و از آنجا وارد خاک اسپانیا می‌شوند و سپس جهت پرداخت هزینه‌های گراف این سفر غیرقانونی از سوی قاچاقچیان وادار به خودفروشی می‌گردند.

گزارشهای منتشره در رسانه‌های خبری اسپانیا حاکی از آن است که شبکه‌های بین‌المللی قاچاق انسان با فریب‌نومیس مردم در کشورهای عقب‌مانده و یادرحال پیشرفت، آنان را به ورطه خودفروشی و فحشاء در کشورهای اروپایی می‌کشانند. بر اساس آمار موجود طی ۵ سال گذشته، بیش از ۷۰ هزار نفر از دختران قزاقستانی به طور غیرعقلی به خارج از کشور فرستاده شده‌اند. هفته‌نامه «نوویه پوکولنیه» چاپ آلمانی در مطلبی با عنوان کنیزکان قرن بیست و یکم نوشت بیشتر دخترانی که به خارج کشور فرستاده شده‌اند در حال خودفروشی و بردگی هستند.^(۷)

هفته‌نامه «مگاپولیس» به نقل از گل‌دانه تولگناوا، رئیس سازمان غیردولتی «مرکز بحران

برای زنان و کودکان قزاقستان»، می‌گوید که افتادن پرده آهنی در این زمینه نتایج مثبتی در پی نداشته است. گل‌دانه تولگناوا دلیل اصلی در دام افتادن زنان و دختران قزاقی را ناآگاهی آنان از کار شرکتهایی خواند که زمینه مهاجرت

این زنان و دختران را فراهم می‌کنند و گفت که آنان به خود فرصت نمی‌دهند درباره سرنوشت آینده‌شان فکر کنند. به گفته وی، برای این منظور سازمان امنیت و همکاری در اروپا، برنامه ویژه «مرکز بحران برای زنان و کودکان در قزاقستان» را سرمایه‌گذاری کرده است.^(۸)

همچنین اسرائیل به یکی از مراکز عمده جذب زنانی تبدیل شده است که به منظور فحشاء و کار برده‌وار به آن سرزمین قاچاق می‌شوند. به گزارش سازمان عفو بین‌الملل، سالانه صدها زن جوان که عمدتاً از اروپای شرقی و جمهوریهای شوروی سابق هستند، برای کار در مراکز فساد اسرائیل به این کشور آورده می‌شوند.^(۹) این زنان با وعده پیدا کردن کار مناسب در اسرائیل به این سرزمین برده می‌شوند، ولی سپس وادار به فحشاء می‌شوند. از این زنان برای انتقال به اسرائیل، هزاران دلار گرفته می‌شود، اما به محض ورود به اسرائیل درمی‌یابند که کاری برای آنها وجود ندارد؛ بنابراین بسیاری از آنان مجبور می‌شوند برای گذران زندگی و ماندن در اسرائیل خودفروشی کنند.^(۱۰)

طی دهه‌های اخیر، میلیونها نفر از زنان و دختران خصوصاً از کشورهای آسیا، اروپای مرکزی، و روسیه با این وعده که در مشاغلی نظیر خدمتکاری رستوران، بچه‌داری و پرستاری مشغول به کار شده، درآمد خوبی پیدا خواهند

کرد به کشورهای غربی خصوصاً آمریکا برده شده‌اند. ولی عده زیادی از این افراد در نهایت به صورت ابزاری برای خوشگذرانی مردها در می‌آیند. این بردگان غالباً با پول نقد یا مواد مخدر معاوضه می‌شوند و از آنجا که گذرنامه و مدارک هویتشان غالباً در اختیار قاچاقچیان است، امکان گریز ندارند. بر پایه آمارهایی که اداره پلیس فدرال آمریکا، اف بی آی، و سازمان ملل متحد عرضه کرده‌اند، سالانه بیش از یک میلیون نفر از زنان و کودکان در جهان مبادله می‌شوند که قریب به ۵۰ هزار نفر از این عده، در نهایت از آمریکا سر در می‌آورند.^(۱۱)

گروههای جنایتکار که در سطحی جهانی عمل می‌کنند، عمدتاً زنان و دختران روسیه و دیگر جمهوریهای شوروی پیشین، بخش‌های عظیمی از آسیا و آمریکای جنوبی و مرکزی را برای کشاندن به ورطه نابودی انتخاب می‌کنند. به گفته کارشناسان، این قربانیان که با پذیرش پیشنهاد کاری دروغین در خارج از کشور از قبیل پرستاری بچه، و یا کار در رستوران، در پی فرار از فقر موجود در کشورهایشان هستند، اکثراً مجبور به روسپی‌گری با شرایطی بسیار نامساعد در کشورهای غریب می‌شوند و حتی قادر به ارتباط برقرار کردن با مردم این کشورها هم نیستند. این زنان و دختران که کارت شناسایی و گذرنامه‌هایشان از سوی قاچاقچیان ضبط می‌شود، برخی اوقات از یک مرکز فساد به

مرکزی دیگر منتقل می‌شوند و بسیاری از آنان تنها در صورت ابتلاء به بیماریهایی از قبیل ایدز به کشورشان باز می‌گردند.^(۱۲)

گزارش خدمات عمومی سازمان ملل متحد آشکار می‌سازد که قاچاقچیان انسان، با وعده یافتن مشاغل جذاب در کشورهای پیشرفته، زنان را فریب می‌دهند و کارشناسان، قاچاق زنان به دست قاچاقچیان انسانی را «بردگی عصر مدرن» توصیف کرده‌اند. این قاچاقچیان که اغلب به گروههای جنایتکار سازمان‌یافته وابسته‌اند، طعمه‌های خود را از میان کسانی انتخاب می‌کنند که سودای جستجوی زندگی بهتر را در سر دارند. بر اساس برآورد ملل متحد، گروههای جنایتکار در آغاز دهه ۱۹۹۰، از قاچاق انسان سالانه ۷۵ تا ۲ میلیون دلار سود نصیب خود می‌کردند، در حالی که این رقم اکنون به ۸ تا ۹ میلیارد دلار افزایش یافته است.^(۱۳)

یکی از نتایج شیوع ویروس اچ. آی. وی و ایدز افزایش خشونت جنسی علیه کودکان دختر بوده است که نه تنها تابع قربانی شدن توسط افراد، بلکه در معرض روسپی‌گری اجباری و قاچاق نیز می‌باشند؛ زیرا مردان به منظور پیشگیری از آلودگی به این ویروس، در جستجوی شریکان جنسی جوان‌تر و جوان‌تری برمی‌آیند.^(۱۴) برخی از مردان کشورهای غربی برای اینکه بتوانند با دختران کم‌سن و سال رابطه جنسی برقرار کنند، به کشورهای در حال

توسعه‌ای که این عمل در آنجا غیرقانونی نیست و یا از سوی حکومت نادیده گرفته می‌شود، همچون کشور تایلند، سفر می‌کنند و در آنجا با پرداخت بهایی اندک به اعمال ددمنشانه‌ی خویش دست می‌زنند.

دیگر اینکه چندی پیش یک شبکه قاچاق دختران ایرانی به کشورهای حوزه خلیج فارس کشف شد که در این شبکه قاچاق تعداد بسیاری زنان قواد بدنام و فاسد عضویت داشتند. آنان دختران و زنان جوانی را که خانواده‌هایشان مشکل مالی داشتند، شناسایی می‌کردند و سپس به بهانه اینکه دختران آنها در کشورهای خلیج فارس خوشبخت و پولدار خواهند شد، با پرداخت مبلغی به خانواده‌هایشان و با گذرنامه و روادید به مدت سه هفته آنها را به طور قانونی به دوبی می‌فرستادند و وقتی دختران به دوبی منتقل می‌گشتند، توسط رابط این شبکه به چند بازرگان عرب معرفی می‌شدند. آنان در ازای هر دختر ایرانی حدود پنج میلیون تومان به خانواده‌های این دختران و مبالغی را که دهها برابر این مبلغ بود، به قاچاقچیان پرداخت می‌کردند. سپس از آن دختران برای مقاصدشوم خود و بی‌بندوباری استفاده می‌کردند. ضمناً قاچاقچیان شکارهای خود را از میان دختران نوجوان و زنان جوان ساده‌دل که فقر مالی داشتند، انتخاب می‌کردند. مأموران پس از تحقیق دریافتند که فعالیت این شبکه در شهر

تهران و چند شهر بزرگ بود و اعضای این شبکه که عموماً از زنان قواد تشکیل می‌شدند، مأموریت داشتند در آرایشگاههای زنانه، میهمانیها و جشنها، طعمه‌های خود را شناسایی کنند. آنها ابتدا به سراغ کسانی می‌رفتند که خود و یا خانواده‌شان مشکل مالی داشتند و از این حربه برای به دام انداختن شکار خود استفاده می‌کردند و دختران ساده‌دل را به منجلاب سوق می‌دادند. در ادامه تحقیقات، مأموران مادری را که به همراه چهار دختر نوجوانش که بین ۱۳ سال تا ۱۷ سن داشتند و از طریق این شبکه به دوبی سفر کرده بودند، در هنگام بازگشت شناسایی و دستگیر کردند و آنان را پس از تنظیم تحقیقات به دادگاه ویژه انتقال دادند.^(۱۵)

مورد دیگر اینکه در شیراز ۶ نفر که توسط قاچاقچیان برای انجام مقاصد پلید به دوبی سفر کرده بودند، شناسایی و مورد بازجویی قرار گرفتند. گفتنی است در این شبکه فساد اخلاقی، عده‌ای دختر، زن و مرد جوان عضویت داشتند که تعدادی از آنان دستگیر شدند. یک مقام قضایی در همین باره ضمن هشدار به خانواده‌ها، اظهار داشت در این پرونده‌ها فقر اقتصادی مهم‌ترین عامل اغفال خانواده‌ها و دختران کم‌سن و سال است؛ بنابراین از خانواده‌ها می‌خواهیم که مراقب شیادان و قاچاقچیان انسان باشند که برای رسیدن به اهداف پلید خود از هیچ کاری رویگردان نیستند و ضمناً از

مسئولان و دست‌اندرکاران انتظار داریم برای حل این معضل اجتماعی فکر عاجلی بکنند تا عزیزان این مرز و بوم گرفتار گرداب فساد اخلاقی و قاچاقچیان انسان نشوند. ضمناً دختران نوجوان و زنان جوان فریب زرق و برق و وعده‌های فریبنده و پوشالی را نخورند و قبل از قبول هر پیشنهادی درباره آن به دقت فکر کنند تا گرفتار نشوند.^(۱۶) دهها مورد دیگر نیز در این باره وجود دارد که از ذکر آنها خودداری می‌شود.

در خصوص علل پیدایش پدیده‌ی قاچاق زنان، باید در نظر داشت که جدا از مشکلات اقتصادی و فقر، معضلات فرهنگی گریبانگیر برخی جوامع، به ویژه سست شدن اصول دینی و اخلاقی، نیز نقش مهمی در پیدایش و گسترش این پدیده ایفاء می‌کنند.

اسناد بین‌المللی برای سرکوب قاچاق زنان در ارتباط با جهانگردی

در این بخش به طور گذرا و خلاصه برخی از اسناد بین‌المللی که برای سرکوب قاچاق زنان تدوین گشته است، بررسی می‌شوند. طبیعتاً در این بخش تنها به برخی از مواد مهم این اسناد اشاره خواهد شد.

«مقاله‌نامه بین‌المللی امضاء شده در پاریس مورخ ۱۸ مه ۱۹۰۴ راجع به تأمین یک حمایت مؤثر علیه معاملات جنایت‌کارانه موسوم به خرید و فروش سفیدپوستان»^۱ در واقع نخستین

1. International Agreement of 18 May 1904 for the Suppression of the White Slave Traffic.

دیگر کشورها به صورت برده به خرید و فروش می‌رسانند.

در این سند بیشتر بر تعهدات دولتها برای پیشگیری از وقوع خرید و فروش زنان تأکید می‌گردد و به همین خاطر دولتهای طرف مقاله نامه متعهد شدند که «اقدامات لازمه را برای مواظبت اشخاصی که زنان و دختران را برای فسق به خارج می‌برند، بالاخص در کارهای راه آهن و بندرهای مسافرت و در طول مسافرت، به عمل آورند. برای این مقصود،

تعلیمات به مأموران و یا دیگر اشخاص صلاحیت دار داده می‌شود که در حدود قانون کلیه اطلاعاتی را که موجب کشف خرید و فروش

جنایتکارانه می‌باشد، تحصیل نمایند. ورود اشخاصی که مسلماً مرتکب شناخته می‌شوند و همدستانشان و یا زنان و دخترانی که مورد این قبیل خرید و فروش واقع شده‌اند، عندالزوم خواه به مقامات محلی مقصد و خواه به مأموران سیاسی و یا کنسولی مربوطه و خواه به مقامات

صالحه دیگر اطلاع داده خواهد شد.»^(۱۷)

شش سال پس از تصویب قرارداد ۱۹۰۴، بار دیگر دولتها در پاریس گرد هم آمدند تا با وضع قراردادی تازه اساساً به تکمیل و اصلاح نقاط ضعف مقاله نامه ۱۹۰۴ بپردازند. مهم ترین نقطه ضعفی که در مقاله نامه ۱۹۰۴ وجود

داشت، مسئله عدم تعیین مقررات و مفاد مربوط به مجرمانه ساختن قاچاق و خرید و فروش

زنان بود. همین امر موجبات عدم سرکوب این جرم را به طور کامل فراهم می‌آورد. برای رفع این نقیصه بزرگ، در قرارداد جدید، مقرر گردید که «هرکسی برای انجام هوا و هوس دیگری زنی را ولو با رضایت خودش باشد، یا دختر صغیری را برای فسق اجیر و جلب و یا از راه عفت منحرف سازد، ولو اینکه عملیات مختلفه که مبانی جرم محسوب می‌شود، در ممالک مختلفه صورت گرفته باشد، باید مجازات شود.»^(۱۸)

همچنین در ماده ۱۷ کنوانسیون سرکوب قاچاق اشخاص و بهره‌کشی از روسپی‌گری دیگران مصوب ۱۹۴۹، مقرر می‌گردد:

«طرفهای این کنوانسیون تعهد می‌کنند در خصوص مهاجرت به داخل و خارج تدابیر لازم را اتخاذ یا حفظ کنند تا بر حسب تعهداتشان بر طبق این کنوانسیون، قاچاق اشخاص هر دو جنس را برای منظور روسپی‌گری کنترل کنند. به ویژه تعهد می‌کنند:

۱- تا مقررات لازم را برای حفاظت از مهاجران به داخل یا خارج و به ویژه زنان و کودکان در محل مقصد، عزیمت و در مسیر راه، وضع کنند؛
۲- تبلیغات مناسب را جهت هشدار به عامه در خصوص خطرات قاچاق مورد اشاره در بالا، ترتیب بدهند.

۳- تدابیر مقتضی را برای تضمین نظارت بر ایستگاههای راه آهن، فرودگاهها، بندرها و

مسیر راه و دیگر اماکن عمومی جهت پیشگیری از قاچاق بین‌المللی اشخاص به منظور روسپی‌گری اتخاذ نمایند.

۴- تدابیر مقتضی را اتخاذ نمایند تا مقامات مقتضی از ورود اشخاصی که در بادی امر به نظر می‌رسد رؤسا، شریکان جرم یا قربانیان این قاچاق باشند، مطلع گردند.»

جالب اینجاست که این کنوانسیون که به قصد سرکوب قاچاق اشخاص تدوین گشته بود، از هر کاری در زمینه پیشگیری از این قاچاق سخن به میان می‌آورد، جز آنچه که به راستی به سرکوب این کار مربوط می‌شود و همان مجازات مرتکبان آن است. البته در اینجا کاملاً به حکومتها هشدار داده می‌شود که بر عبور و مرور جهانگردان به کشورشان نظارت داشته باشند.

در ماده ۲۰، از طرفهای کنوانسیون خواسته شده است که «در صورتی که تا کنون به این کار دست نزده‌اند، به تدابیر لازم برای نظارت بر آژانسهای کاریابی دست زنند تا مانع از قرار گرفتن اشخاص جویای کار به ویژه زنان و کودکان در معرض خطر روسپی‌گری شوند.»

همان‌طور که در اسناد پیشین بررسی شد، یکی از اصلی‌ترین راهکارهای دولتها برای پیشگیری از قاچاق زنان و کودکان، اعمال نظارت و کنترل بر آژانسهای مهاجرت و جهانگردی و نیز آژانسهای کاریابی می‌باشد.

در بررسی تک‌تک این اسناد روشن می‌شود که همگی آنها دارای نقاط ضعفی اساسی بودند که موجبات عدم کارایی و تأثیر مناسب آنها را برای مبارزه با قاچاق زنان فراهم می‌آوردند. از جمله نقاط ضعف می‌توان به عدم ارائه تعریفی فراگیر و مورد اجماع از قاچاق زنان و عناصر تشکیل‌دهنده این جرم، و عدم وضع حداقل مجازات برای مرتکبان قاچاق زنان و یا حتی عدم الزام به مجازات قاچاقچیان انسان حتی در کنوانسیون ۱۹۴۹ اشاره کرد. ابهام در چگونگی برخورد با قربانیان قاچاق زنان نیز یکی دیگر از مشکلات موجود در این اسناد بین‌المللی بود و نوع حمایتی که می‌بایست از این زنان صورت می‌گرفت، کاملاً به صلاح‌دید خود دولتهای متعاقد واگذار می‌شد. تحولات بعدی در سطح نقاط مختلف جهان و پیچیده‌تر شدن جرم قاچاق زنان و دخالت سازمانهای جنایی فراملی در آن، به منسوخ و غیرکارآمد شدن بسیاری از مفاد این اسناد بین‌المللی منجر شد. همچنین افزایش بیش از پیش پدیده‌ی جهانگردی و ارتباطات فزاینده میان کشورها و ملتها موجب شد که امکان نظارت حکومتها بر قاچاق زنان که در شبکه توریسم جنسی مورد استفاده قرار می‌گیرند، از گذشته نیز کمتر شود. در نتیجه از سال ۱۹۴۹ که آخرین سند بین‌المللی مربوط به قاچاق زنان به تصویب رسید، تا دسامبر سال ۲۰۰۰ که پروتکل پیشگیری،

- سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان مورد تصویب قرار گرفت، چندین سند بین‌المللی دیگر نیز تدوین گشت که هر چند هدف اصلی آنها را مبارزه با این قاچاق تشکیل نمی‌داد، به صورت ضمنی و جانبی این مسئله را نیز مورد توجه قرار دادند. برای مقابله با قاچاق زنان برخی از کشورها به صورت انفرادی نیز به تلاشهایی در این زمینه دست زده‌اند:
- فیلیپین ابتکاری را با همکاری جامعه مدنی و دیگر حکومتها آغاز کرده است که متضمن آموزش و توسعه آیینهایی برای نهادهای واقع در خط مقدم مبارزه با قاچاق زنان و کودکان می‌باشد؛
- پلیس لیتوانی به عنوان بخشی از کارش در زمینه تحقیق در خصوص جرایم سازمان یافته، بخشی را برای مبارزه با قاچاق زنان در اداره پلیس ایجاد کرده است؛
- چین اصلاحیه‌هایی را در قوانین کیفریش در مورد ربودن زنان و کودکان و روسپی‌گری اجباری به عمل آورده است؛
- میانمار در مناطق مرزی، هشت مرکز شغلی را به منظور متوقف ساختن قاچاق، برای زنان ایجاد کرده است؛
- هلند یک گزارشگر ملی را برای ارائه دیدی جامع از اطلاعات در خصوص قاچاق زنان و شیوه‌های پیشگیری آن برگماشته است؛ و
- آلبانی و فدراسیون روسیه، مبارزه‌هایی را از راه آموزش که متوجه قربانیان بالقوه است، آغاز کرده‌اند.^(۱۹)
- یکی از اهداف استراتژیک کنفرانس بین‌المللی زنان در پکن در ۱۹۹۵، امحای خرید و فروش زنان و بذل مساعدت به قربانیان خشونت ناشی از روسپی‌گری و خرید و فروش زنان بوده است. اقداماتی که در سند نهایی مقرر شد در این زمینه توسط دولتها اتخاذ گردد، عبارتند از:
- «- توسط کشورهای مبداء، میانه و مقصد، سازمانهای منطقه‌ای و بین‌المللی به نحو مقتضی؛ الف- بررسی تصویب و اعمال کنوانسیونهای بین‌المللی راجع به خرید و فروش اشخاص و بردگی؛ ب- اتخاذ اقدامات مقتضی در راستای مقابل با عوامل ریشه‌ای، از جمله عوامل برونی که خرید و فروش زنان و دختران به قصد روسپی‌گری و دیگر صوربازرگانی جنسی، ازدواجهای تحمیلی و کار تحمیلی را ترغیب می‌نماید در راستای امحای خرید و فروش زنان از طریق من جمله، تقویت قوانین موجود به منظور تأمین حمایت بیشتر از حقوق زنان و دختران و مجازات مرتکبین این جرایم از طریق اقداماتی اعم از جزایی و مدنی؛ ج- ارتقاء همکاری و اقدام هماهنگ جمیع مقامات و نهادهای ذی‌ربط مجری قانون به

منظور تلاشی شبکه‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی خرید و فروش زنان؛

د- تخصیص منابع به منظور تأمین برنامه‌های جامع که هدف از طرح ریزی آن بهبود و نتوان‌سازی قربانیان خرید و فروش زنان و بازگشت آنان به جامعه باشد، من جمله برنامه‌های پیشه‌آموزی، مساعدت حقوقی و مراقبت پزشکی رازدارانه، نیز اتخاذ اقداماتی به منظور همکاری با سازمانهای غیردولتی در جهت تأمین مراقبتهای اجتماعی، پزشکی، و روانی برای قربانیان خرید و فروش زنان؛

ه- تمهید برنامه‌ها و خط‌مشیهای آموزشی و پرورشی و بررسی وضع قوانینی که هدف آن جلوگیری از توریسم جنسی و خرید و فروش زنان است، ضمن بذل تأکید ویژه به حمایت از زنان و کودکان»^(۲۰)

در پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص، به ویژه زنان و کودکان، در ماده ۶، که عنوان کمک به قربانیان قاچاق اشخاص و حفاظت از آنان را دارد، مقرر می‌شود:

«۳- هر دولت طرف پروتکل اجرای تدابیری را مورد ملاحظه قرار خواهد داد که بهبود فیزیکی، روانی، و اجتماعی قربانیان قاچاق اشخاص را فراهم می‌آورد، از جمله در موارد مقتضی، با همکاری دیگر سازمانهای غیرحکومتی، دیگر سازمانهای مربوطه و دیگر عناصر جامعه مدنی، و به ویژه، تدارک موارد زیر را فراهم خواهد آورد:

الف- ارائه مسکن مناسب؛

ب- مشاوره و اطلاعات به ویژه در خصوص حقوق قانونی آنها با زبانی که قربانیان قاچاق اشخاص قادر به درک آن باشند؛

ج- کمک پزشکی، روانی و مادی؛ و

د- فرصتهای شغلی، تحصیلی، و تربیتی.

۴- هر دولت طرف پروتکل در اعمال مفاد این ماده، سن، جنسیت و نیازهای ویژه قربانیان قاچاق اشخاص، به ویژه نیازهای خاص کودکان، شامل مسکن، تحصیل، و مراقبت مناسب را در نظر خواهد گرفت.»

همچنین ماده ۹ به مسئله پیشگیری از قاچاق اشخاص می‌پردازد و تکالیف زیر را برای دولت‌های طرف پروتکل مقرر می‌دارد:

«۱- دولت‌های متعاقد سیاستها، برنامه‌ها و تدابیر فراگیر دیگری را مقرر خواهند داشت تا:

الف- از قاچاق اشخاص پیشگیری و با آن مبارزه کنند؛ و ب- از قربانیان قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان حفاظت کنند تا دوباره قربانی آن نشوند.

۲- دولت‌های متعاقد کوشش خواهند کرد تا تدابیری همچون پژوهش، اطلاع‌رسانی و تبلیغات رسانه‌های گروهی و ابتکارات اجتماعی و اقتصادی را برای پیشگیری و مبارزه با قاچاق اشخاص اتخاذ کنند.

۳- سیاستها، برنامه‌ها و دیگر تدابیری که مطابق با این ماده اتخاذ می‌شود، در صورت اقتضاء،

همکاری با سازمانهای غیرحکومتی، دیگر سازمانهای مربوطه و دیگر عناصر جامعه مدنی را در بر خواهد گرفت.

۴- دولتهای متعاقد از جمله از راه همکاری دوجانبه یا چندجانبه تدابیری را اتخاذ یا تقویت خواهند کرد تا عواملی را که موجب آسیب پذیری اشخاص به ویژه زنان و کودکان در برابر قاچاق می شود، همچون فقر، توسعه نیافتگی و فقدان فرصتهای برابر تخفیف بدهند.

۵- دولتهای متعاقد تدابیر قانونی یا دیگر تدابیر همچون تدابیر آموزشی، اجتماعی یا فرهنگی را از جمله از راه همکاری دوجانبه یا چندجانبه اتخاذ یا تقویت خواهند کرد تا مانع از تقاضایی شوند که موجب ترویج همه اشکال بهره کشی از اشخاص به ویژه زنان و کودکان می شود و به قاچاق منجر می گردد.»

در بند ۱ این ماده تعهد دولتها جهت جلوگیری از قاچاق اشخاص و مبارزه با آن مورد تأکید قرار می گیرد که تعهدی بسیار کلی است و در

واقع هدف این پروتکل را تشکیل می دهد. نکته قابل توجه این است که در اینجا به

سیاستها، برنامه ها و تدابیر فراگیر دیگر اشاره شده است و نه الزاماً به قوانین. بنابراین مشخص

است که ذهنیت طراحان این سند بوده که قاچاق اشخاص معضلی نیست که با صرف

وضع قوانین قابل رفع باشد، بلکه محو آن انواع سیاستها و برنامه های سیاسی، اجتماعی و

اقتصادی را ایجاب می کند. در بند فرعی (ب) این بند از تلاش جهت جلوگیری از قربانی شدن دوباره^۲ قربانیان قاچاق اشخاص سخن به میان می آید که به معنی از میان بردن علل و شرایطی است که موجبات قاچاق آن اشخاص به ویژه زنان و کودکان را در نخستین بار فراهم آورد.

در بند دوم تعهد کلی دولتها جهت مبارزه با قاچاق حالت مشخص تری می یابد، به گونه ای که ملزم می شوند تا پژوهشهای علمی، اطلاع رسانی و تبلیغات جهت آگاهی عامه مردم را از خطرات قاچاق به انجام برسانند. در بند سوم، بار دیگر همکاری سازمانهای غیرحکومتی و دیگر عناصر جامعه مدنی در امر مبارزه با قاچاق مورد توجه قرار می گیرد که کاملاً بازتاب تحولاتی است که در دو دهه اخیر در زمینه نقش آفرینی بسیار زیاد سازمانهای غیرحکومتی در عرصه داخلی و بین المللی روی داده است.

علاوه بر اسنادی که ذکر شد، کارشناسان بین المللی به اقدامات دیگری که برای پیشگیری

از قاچاق زنان به قصد استفاده از آنها در صنعت جهانگردی باید صورت گیرد، اشاره می کنند.

برای نمونه، آدرین گرماین، رئیس ائتلاف بین المللی بهداشت زنان، اعلام داشته است که

«مسئله ای که ما اکنون با آن روبرو هستیم این

2. Revictimization

است که دولتها درک کنند بروزاین آفت (قاچاق زنان و دختران)، نشأت گرفته از تمایلات مردان برای برقراری روابط نامشروع است. چنانچه بخواهیم در این مورد اقدام کنیم، باید هر دو طرف معامله را مد نظر قرار دهیم، بدین معنی که مشابه آن چیزی که در کنفرانس پکن انجام دادیم، خود را نسبت به درک و شناسایی حقوق جنسی زنان و عملکرد مسئولانه مردان در همین ارتباط متعهد بدانیم.^(۳۱)

در سطح بین‌المللی، می‌توان تدابیر زیر را پیشنهاد کرد:

- دولتهایی که اسناد مربوط به سرکوب قاچاق زنان را امضاء کرده‌اند، باید هر چه زودتر آنها را به تصویب برسانند و قوانین داخلی خویش را در آن راستا اصلاح نمایند. همچنین دولتهایی که این اسناد را به امضاء نرسانده‌اند، باید هر چه زودتر به تصویب آنها، به‌ویژه به تصویب پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص، به‌ویژه زنان و کودکان مصوب سال ۲۰۰۰، که جدیدترین و کامل‌ترین سند بین‌المللی ضد قاچاق می‌باشد، اقدام نمایند.

- دولتها باید به‌طور جدی تر و گسترده‌تری جهت سرکوب قاچاق زنان و کودکان با یکدیگر همکاری کنند و نهادهای مربوطه دولتها باید در تماس و ارتباط نزدیک با نهاد مربوطه دولتهای دیگر قرار داشته باشند.

در سطح ملی نیز، دولتها باید به تدابیر و راهکارهای زیر برای پیشگیری و سرکوب

همچنین ترزا لور، یکی از فعالان حقوق زنان، اعتقاد دارد که قاچاق زنان در ارتباط با جهانگردی تا حد زیادی ناشی از مرزهای باز و وضعیت اقتصادی کشورهای در حال گذار است. وی همچنین دلیل ریشه‌ای این گونه قاچاقها را سرخوردگی اقتصادی میان زنان و دختران و افراد خانواده‌ی شان می‌داند که آنها را به راحتی در معرض فریب قاچاقچیان قرار می‌دهد.^(۳۲) بدین ترتیب توجه به همه ابعاد معضلات ناشی از قاچاق زنان به منظور استفاده در توریسم جنسی مورد تأکید کارشناسان قرار دارد و همان‌طور که پیشتر گفته شد توجه به ابعاد فرهنگی این قضیه و تقویت اصول اخلاقی و دینی در جوامع در این زمینه اهمیت دارد.

راهکارها و پیشنهادها

بررسی ابعاد و گستره قاچاق زنان و نیز اسناد بین‌المللی که تا کنون برای مقابله با آن تدوین

قچاق زنان و کودکان دست بزنند:

- دولتها تعهد کنند که مشاغل مناسب را به زنانی که به طور بالقوه در معرض قچاق هستند، ارائه کنند تا زنان و ادار نشوند برای یافتن کار به بیرون مرزها رفته، در دام قچاقچیان گرفتار شوند.

- بر آژانسهای مسافرتی و جهانگردی نظارت بسیار بیشتری را اعمال کنند تا مبادا به صورت واسطه برای قچاقچیان عمل نمایند و زنان خواهان بازدید از دیگر کشورها را در آنجا در اختیار قچاقچیان قرار دهند.

- بر رفت و آمد جهانگردان به کشور به طور نامحسوس، اما کارآمد نظارت داشته باشند که پس از ورود به کشورشان به اعمالی که تشویق توریسم جنسی و قچاق زنان است، اشتغال نوزند.

- زنان قربانی قچاق را به کشور بازگردانند و شرایط را برای بازگشت آنان به جامعه و ارائه شغل مناسب به آنان فراهم کنند.

- دولتها به اقداماتی دست زنند تا یک استراتژی ملی را برای مقابله با قچاق طراحی کنند، از جمله به تدابیری برای پیشگیری از قچاق، تعقیب مجرمان، و حفاظت از حقوق اشخاص قچاق شده دست زنند. دولتها باید از تجربیات و تخصص سازمانهای غیرحکومتی جهت طرح تدابیر کارآمد ضد قچاق بهره گیری کنند.

- یک سازوکار همانگ سازی را در سطح ملی برای تضمین هماهنگی کارآمد میان دستگاههای مختلف حکومت (ومیان حکومت و سازمانهای غیرحکومتی) ایجاد نمایند و اجازه بدهند رهیافتی چندبعدی در این باره برگزیده شود. همچنین به اقداماتی دست زنند تا اطمینان بیابند که اطلاعات، استراتژیها، و آیینها به آن مقامات محلی که بیش از همه احتمال دارد با موقعیتهای قچاق و قربانیان قچاق در تماس قرار گیرند، می رسند.

- سیاستها و برنامه هایی را برقرار نمایند تا از قچاق انسان جلوگیری کنند، از جمله تدابیر اقتصادی و حقوقی در کشورهای مبدا که هدف آنها مشخصاً بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی زنان و دختران می باشد، الزامی است.

- با همکاری جامعه مدنی و نهادهای غیر حکومتی به تبلیغات و اطلاع رسانی دست زنند تا آگاهی عمومی را در خصوص قچاق در اشکال مختلف آن، ایجاد نمایند، از جمله شیوه های مورد استفاده قچاقچیان و مخاطرات بر سر راه قربانیان را گوشزد نمایند.

- آگاهی در خصوص قچاق را میان مقامات پلیس، قضایی، مهاجرت، و کنسولگریها و سفارتخانه ها افزایش بدهند، از جمله ابعاد حقوق بشری قچاق و تعهد مقامات دولت را جهت کمک و حفاظت از قربانیان قچاق گوشزد نمایند. مقامات پلیس و مهاجرت را جهت شناسایی موقعیتهای قچاق و قربانیان احتمالی قچاق (در توریسم جنسی و غیره)

September 1999, Quoted in: <http://www.osce.org/docs/i3-index.htm> - 10/3/2001, p. 5.

5- The Report of Agence France Presse (AFP), February 7, 2001.

6- The Report of Agence France Presse (AP), February 9, 2001.

۷- گزارش منتشره بر روی تلکس خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۶/۲۸.

۸- اشتری، پیشین، ص ۸۷.

۹- گزارش منتشره بر روی تلکس خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۴/۸.

۱۰- همان.

۱۱- گزارش منتشره بر روی تلکس خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۱۲/۲۷.

۱۲- اشتری، پیشین، ص ۹۵.

۱۳- گزارش منتشره بر روی تلکس خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۶/۱۳.

14- United Nations, **From Nairobi to Beijing**, (New York: United Nations Publications, 1995), p. 127.

۱۵- روزنامه ایران، سال هفتم، ش ۱۷۴۱، ۱۳۷۹/۱۱/۲۴.

۱۶- همان.

۱۷- ماده ۲، «مقاله نامه بین المللی امضاء شده در پاریس مورخ ۱۸ مه ۱۹۰۴»، نقل شده از: محمد علی هدایتی، مجموعه قراردادهای بین المللی چندجانبه ایران، (تهران: نشر تابان، ۱۳۴۵)، ص ۲۴.

۱۸- ماده اول، «قرارداد بین المللی راجع به جلوگیری از خرید و فروش سفیدپوستان که در پاریس در تاریخ ۴ مه ۱۹۱۰ به امضاء رسیده است»، نقل شده از: هدایتی، پیشین، ص ۲۰.

19- "Commission on the Status of Women,"

Quoted in: <http://www.un.org/womenwatch/daw/csw/index.html>

۲۰- سند چهارمین کنفرانس جهانی زن، کارپایه عمل و اعلامیه

پکن، ترجمه علی آرین و علی میرسعید قاضی، (تهران: دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۷۵)، ص ۷۴.

۲۱- گزارش منتشره بر روی تلکس خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۳/۱۸.

۲۲- همان.

آموزش بدهند.

- و سرانجام، قوانین یا سیاستهایی را برای حفاظت از اشخاص قاچاق شده، منطبق با استانداردهای بین المللی حقوق بشر، وضع یا تقویت کنند. این تدابیر باید پناهگاه، حفاظت جسمی، کمک پزشکی و حقوقی مناسب، ضمانتهای آیین دادرسی در رسیدگیهای کیفری، دسترسی به جبران و غرامت قانونی، و کمک جهت بازگشت و پیوستن به خانواده را در بر بگیرد. دولتها باید برای ارائه این گونه کمکها به طور نزدیکی با سازمانهای غیرحکومتی همکاری کنند.

اگر دولتها این تدابیر را وضع نمایند و به طور جدی به اجرای آنها متعهد باشند، اگر نگوئیم که قاچاق زنان و کودکان به طور کامل محو خواهد شد، مطمئناً می توان ادعا کرد که گستره و ابعاد آن بسیار بسیار کمتر از آن چیزی خواهد شد که امروزه در سطح جهانی شاهد آن هستیم.

پانوشتها

۱- گزارش منتشره بر روی تلکس خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۲/۲۲.

۲- بهناز اشتری، قاچاق زنان: بردگی معاصر، (تهران: اندیشه برتر، ۱۳۸۰)، ص ۳۴.

۳- گزارش منتشره بر روی تلکس خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۷/۲۵.

4- "Trafficking in Human Beings: Implications for the Organization for Security and Cooperation in Europe," Review Conference,